

دو فصلنامه علمی-پژوهشی «پژوهش سیاست نظری»

دوره جدید، شماره نهم، زمستان ۱۳۸۹ و بهار ۱۳۹۰: ۱-۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۳/۲۵

حکومت‌مندی در تاریخ فلسفه سیاسی

روح الله اسلامی*

فاطمه ذوالفقاریان**

چکیده

این مقاله با مبنا قرار دادن فناوری، یعنی عرصه اندیشه عملی و توانایی ناخودآگاهی، بدیهی و حضوری انسان سعی می‌کند، سه گونه از حکومت‌مندی در سیر فلسفه سیاسی را ترسیم کند. حکومت‌مندی تنظیم رفتار جمعی انسان‌ها به شیوه مطلوب در امر سیاسی و کاهش احتمال مخاطرات آن و افزایش احتمال سود، لذت و شادی است. بر این اساس سه نوع آرمانی پدیدار آگاهی سیاسی یعنی متافیزیک، فیزیک و اطلاعات سه عصر را شکل می‌دهند. این مقاله سیر اندیشه‌ای و عملی به صورت وجه منفی و مثبت سیاست را بررسی کرده و با عرضه بحران‌ها و گذرها نظریه شانس را معرفی می‌کند. اینکه انواع گوناگون حکومت‌مندی کدام‌اند؟ آیا هیچ قانون خاصی در حکومت‌مندی‌ها به لحاظ تاریخ فلسفه سیاسی وجود دارد؟ تبلور حکومت‌مندی در سه عصر آگاهی بشر به چه نحوی است؟ سؤال‌هایی هستند که در این مقاله بررسی می‌شوند، تا حکومت‌مندی از سازه منفی در عصر اطلاعات به تمام حوزه اندیشه سیاسی بسط پیدا کند و در قالب یک نظریه بی‌طرفانه خود را نمایان سازد.

واژه‌های کلیدی: حکومت‌مندی، عصرمتافیزیک، عصر فیزیک، عصراطلاعات، فناوری، شانس.

مقدمه

این مقاله به شیوه‌های گوناگون فکر کردن دربارهٔ حکومت می‌پردازد. تاریخ زندگی بشر به لحاظ اندیشه‌ای که پیرامون محیط انسانی و طبیعی خویش دارد، به سه دوره متافیزیک، فیزیک و اطلاعات تقسیم می‌شود. در هر یک از این سه قالب کلی، یکی از موضوعات بسیار مهم زندگی بشر، یعنی سیاست نیز معنی خاص پیدا می‌کند. این مقاله دشواره و مسئله خویش را در میانه‌ای از فلسفه سیاسی و سیاست‌گذاری راهبردی تعریف می‌کند. در فلسفه سیاسی سؤال‌های راجع به وجود، معرفت و همین‌طور غایت تاریخ را کنار می‌گذاریم و در سیاست‌گذاری راهبردی نیز سؤال‌های اجرایی و مدیریتی را به حاشیه می‌رانیم. آنچه باقی می‌ماند، عرصه سیاست به معنایی است که در آن می‌توان رفتار جمعی انسان‌ها و احتمالات زندگی جمعی را به لحاظ عرصه عمومی از دولت تا خانواده و جامعه مدنی تحت کنترل یک قاعده علمی درآورد (پروکاکی، ۱۳۸۸: ۱۹۴).

این قاعده خاص، هسته اصلی فلسفه سیاسی، یعنی پرسش از مشروعیت سیاسی به معنی شیوه‌های حکمرانی و نگاه ایجابی به قدرت و شیوه‌های مقاومت و رویکرد سلبی و انتقادی به قدرت را در خود جای می‌دهد. متن پیش رو تنها به تفکرات نوع آرمانی عملی خواهد پرداخت که فاصله عمل و نظر را در یک رویکرد فلسفی، مدیریتی و راهبردی در زندگی سیاسی روزمره بشر به حداقل رسانیده‌اند. برای شرح حکومت‌مندی در سه نوع آرمانی تفکر بشر و درآوردن قاعده خاصی که در این پژوهش نام فناوری را بر آن نهاده‌ایم از اسطوره، فلسفه، مذهب و علم در بخش آگاهی عصرها بهره می‌بریم. همین‌طور در بخش سیاست نظری و عملی به تاریخ مکتوب و تحولاتی اسلام، ایران و غرب توجه می‌کنیم. شیوه فکر کردن بشر به سیاست و حکومت از یکسو، مبنا و فلسفه سیاست را شکل می‌دهد و از سوی دیگر در وجه مصلحتی می‌تواند، زندگی سیاسی بدیهی انگاشته شده او و ناخودآگاه سیاسی قومی باشد، که در سازه‌های جمعی و عرف‌های عینی خود را نشان می‌دهد و در این متن با تفکیک تاریخی و مفهوم‌پردازی بررسی می‌شوند. سؤال این است که شکل حکومت‌مندی در سه دوره متافیزیک، فیزیک و اطلاعات بر چه اساسی شکل گرفته است؟ عامل اساسی تفاوت اعمال محدود کردن قدرت در هر یک از سه دوره چیست؟ فلسفه تاریخ حکومت‌مندی چه سیری را طی کرده است؟ فرضیه‌های این مقاله این است که حکومت‌مندی در عصر متافیزیک؛ فردی، کیفی و اندرزنامه‌ای، حکومت‌مندی در عصر فیزیک؛ مکانیکی، بروکراتیک و کمی و حکومت‌مندی در عصر اطلاعات؛ مجازی، سازه‌ای و سایبری است. عامل اساسی در تفاوت الگوهای اعمال و محدود کردن قدرت به فناوری‌های قدرت در هر یک از سه دوره بازمی‌گردد. سیر تحول حکومت‌مندی در فلسفه تاریخ سیاسی مبتنی بر نظریه شانس است.

ادبیات موضوع

این مقاله سبکی تاریخی و پدیداری دارد؛ یعنی در آن یک سیر تاریخی در فلسفه سیاسی به همراه رویکردهای گوناگون در مفهوم بندی‌های جدید علوم سیاسی خود را نمایان می‌سازد. به لحاظ درون متنی پژوهش‌هایی که راجع به حکومت‌مندی شده است، معمولاً در درون پارادایم‌های آگاهی عصر اطلاعات جای می‌گیرند. به عنوان مثال می‌توان به تحقیق ارزشمند میشل فوکو برای جا انداختن این واژه در پروژه پسامدرنی اندیشه اشاره کرد، که گونه‌ای نقد رادیکال بر ضد مبانی بدیهی انگاشته قدرت غربی بود (فوکو، گفتگو: ۲۶). فوکو می‌گوید:

منظور من از حکومت‌مندی سه چیز است: نخست مجموعه‌ای از نهادها، روش‌های تحلیل، تأملات و محاسبه‌ها و تاکتیک‌هایی که اعمال این شکل کاملاً خاص و هر چیز پیچیده قدرت را امکان پذیر می‌کنند. قدرتی که آماج اصلی‌اش جمعیت، شکل اصلی دانش اش اقتصاد سیاسی و ابزار اصلی تکنیکی‌اش دستگاه نظارتی است؛ دوم گرایش حفظ نیرویی که بی‌وقفه از دیر باز و در سرتاسر غرب منجر به تفوق آن نوع قدرتی شد که می‌توان آن را حکومت نامید. توفیق رب انواع دیگر قدرتی (سلطنتی، انضباطی، ...) که از یکسو به تکوین و توسعه مجموعه تمام عیاری از ابزارهای خاص حکومت و از سوی دیگر به تکوین و توسعه مجموعه‌ی کاملی از دانش‌ها منجر شد؛ منظور سوم من از حکومت‌مندی، فرایند یا به عبارت بهتر نتیجه‌ی فرایندی است که از رهگذر آن دولت عدل قرون وسطی بدل شد به دولت اداری و به تدریج حکومت‌مند شد (میلر، ۱۳۸۲: ۲۳۶).

فوکو با تبارشناسی روشی و قلمی شاعرانه قدرت شبانی و پلیسی را از وجه یونان و قرون وسطی بیرون آورد و ماهیت قدرت جدید را در قالب حکومت‌مندی به نقد کشید (نادسان، ۲۰۰۸: ۶۲) (پیتز، ۲۰۰۴: ۳۸). ژیل دلوز نیز تحت تأثیر میشل فوکو با تکمیل کردن پروژه فکری او عبور از قدرت انضباطی به کنترلی را در عصر اطلاعات تحلیل کرد (دلوز، ۱۳۸۵: ۹). آنچه در این تحلیل‌ها مشترک است، نگاه منفی ناقدانه در وجه اندیشه سیاسی پسامدرن به تحلیل قدرت و حکومت در عصر اطلاعات است (لمکه، ۲۰۰۱: ۱۳)، که وجوه مثبت و رویکردی که قدرت را در شکل سازنده، عینی، و اثربخش در جامعه قلمداد کند در تحلیل‌ها مشاهده نمی‌شود. بعدها پروژه حکومت‌مندی را نئومارکسیست‌های قرن بیست و یکم، یعنی نگری و هارت دنبال کردند و آنان در نوشته‌های خویش به نام‌های انبوه خلق و امپراتوری به نقد رادیکال سرمایه داری اطلاعاتی پرداختند و از نیروهای جدیدی که در عصر اطلاعات با امکانات جدید فناورانه می‌توانند طرحی از مقاومت‌های ریز قدرت را در برابر هژمونی سرمایه داری بریزند و مبارزه‌ای جهانی را علیه نظم موجود شکل دهند (دلوز، ۱۳۸۵: ۱۷). متفکرانی همانند روزنا، نای، میرشایمر، روزکرانس (گریفیتز، ۲۰۰۹: ۱۲۳-۱۱۴). نیز در عرصه روابط بین الملل قدرت مجازی و حکومت‌مندی جدید در عصر اطلاعات را بررسی کرده‌اند و در تحلیل‌های خود به مواردی چون جنبش‌های جدید، سازمان‌های

مجازی، دولت‌های مجازی، دیپلماسی دیجیتال و پرداخته‌اند، که گونه‌های فرصت ساز تصویر قدرت در عصر اطلاعات است.

اغلب نوشته‌های راجع به حکومت‌مندی، تنها به تحلیل قدرت در عصر اطلاعات می‌پردازند و موضوع حکومت‌مندی را در اندیشه، فلسفه، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی قرن بیستم موضوع‌بندی انتقادی می‌کنند (ولینگ، ۲۰۱۱: ۲۳۰). موضوعاتی شامل؛ قدرت‌های ریز جدید نهفته در زبان و امر جنسی، جنبش‌های جدید همانند سبزه‌ها، زنان، قومیت‌ها، سازمان‌های مجازی، دیپلماسی‌های رو به رشد اطلاعاتی، جنگ‌های مجازی، انقلاب‌های نرم، مهندسی ژنتیک سیاسی، دموکراسی و جامعه مدنی سایبر، دولت‌های کنترلی و انضباطی سراسر بین و همه شیوه جدید حکومت‌مندی و کنترل رفتار آدمی در عرصه سیاسی است، که درباره‌شان تحقیق شده است (پروتی، ۲۰۰۱: ۱۷۳) (کیت نش، ۱۳۸۸). شیوه اندیشه حکومت‌مندی خود گونه‌ای از پدیدار فلسفه سیاسی است که در گذشته نیز در حوزه‌های نگاه سلبی و ایجابی به امر سیاسی در فلسفه سیاسی قابل بررسی بوده است (دن، ۱۹۹۹). (Dean, 1999). اینکه حکومت چگونه باید قدرت خویش را اعمال کند؟ و مردم چگونه بر حکومت خویش اثر می‌گذارند؟ مشروعیت دولت از کجا تأمین می‌شود؟ و حق مخالفت تا کجاها قابل قبول است؟ در آثار متفکران بزرگی چون افلاطون، ارسطو، ماکیاول، هابز، مارکس، وبر، هابرماس و ... بررسی و نقد شده است. مقاله حاضر از تمام این متون موجود ارزشمند بهره می‌گیرد و موضوع حکومت‌مندی را در سه قالب متافیزیکی، فیزیکی و اطلاعاتی در یک سیر تاریخ فلسفه سیاسی واکاوی می‌کند. سپس با وجوه نوع آرمانی و نگاه‌های پدیداری منفی و مثبت به صورت ایجاد بحران‌ها و سیر مرحله به مرحله بعدی و درآوردن یک قانون کلی به مفهوم‌پردازی در قالب پتانسیل واژگانی علوم سیاسی می‌پردازد و نظریه شانس را در نتیجه‌گیری به عنوان برآیند کار شرح می‌دهد.

چارچوب نظری

جمع‌آوری اطلاعات مقاله بر اساس مشاهده، تجربه بروکراسی نظام‌های مکانیکی و اطلاعاتی و همین‌طور تجربه امر سیاسی در جوامع قبیله‌ای و سنتی است. بعد از رجوع به متفکران اندیشه سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، سیاست‌گذاری و علوم ارتباطات درباره نحوه مهار و سامان‌مندی زندگی سیاسی مبنا قرار می‌گیرد. روش ظاهری تحقیق عرضه سیر قانونی و علمی در علم سیاست بر موضوع حکومت‌مندی است، تا دو نظریه خود را واکاوی کنیم. جهت‌گیری فکری مقاله گونه‌ای از محافظه‌کاری عمل‌گرایانه است که از حوزه‌های اندرزنانه نویسی خواه نظام‌الملک، سعدی و فلسفه زبانی ویتگنشتاین و حتی حوزه روابط تولیدی مارکس مفهوم‌ها رفته شده‌اند و در تمام موارد سعی بر آن است تا رابطه میان عین، ذهن، عمل و نظر به حداقل برسد

(روبینشتاین، ۱۳۸۶: ۳۲۴) و مصلحتی واقع‌گرایانه که در روش فناوری و موضوع حکومت‌مندی جود دارد نمایان شود (لنک، ۲۰۰۹: ۸).

مقاله به چند جهت اهمیت دارد. اول اینکه، حکومت‌مندی را از وجه منفی عصر اطلاعات (گرنی، ۲۰۰۹: ۱۳: ۴۰). بیرون می‌کشد و آن را در یک سیر تاریخ اندیشه سیاسی در شرق و غرب بررسی می‌کند؛ دوم اینکه با کاستن و حذف وجوه وجودشناسی و فلسفی محض اندیشه سیاسی نگاهی میانه و رویکردی اعتدالی به حکومت‌مندی به همراه عناصر سلبی و ایجابی قدرت می‌اندازد که سابقه ندارد. سوم اینکه دو نظریه جدید در این پژوهش وجود دارد که برای اولین بار مطرح می‌شوند: نظریه اول فناوری را پایه فلسفه سیاسی می‌داند؛ بدین صورت که میانه ساختار و کارگزار در وجهی مطرح می‌شود که نه اقتصاد و ساختار عینی و نه کارگزار و اندیشه کیفی، فردی به نحو انحصاری بر تحولات سیاسی تأثیرگذار نیستند و عرصه سیاست را شکل نمی‌دهند. آنچه سیر تحولات سیاسی را رقم می‌زند فناوری است، که خود را در مبانی اندیشه سیاسی به صورت فناوری‌های قدرت مطرح می‌سازد. نظریه دوم آوردن قانون کیفی برای تحولات سیاسی و نشان دادن وجوه آرمانی مثبت و منفی در حکومت‌مندی‌های گوناگون است. سوق دادن حکومت‌مندی‌ها در محیط‌های زوالی و پر شدن مجدد آنومی آنها با فناوری‌های جدیدی است که مشروعیت‌های جدید را خلق می‌کنند. نظریه شانس که بر منطق ساختار، کارگزاری فناوری‌های قدرت در هر عصر مطرح می‌شود، به صورت نتیجه‌گیری می‌آید. به طور خلاصه می‌توان گفت نوشتار حاضر چهار هدف عمده دارد که عبارت‌اند از:

الف) اصلاح، تکمیل و گسترش رویکردهای موجود در عصر اطلاعات راجع به حکومت‌مندی.

ب) سوق دادن و ترسیم خطی از سیر حکومت‌مندی در تاریخ فلسفه سیاسی به همراه تأکید بر وجوه دوگانه قدرت.

ج) عرضه سه الگو و نمونه آرمانی از فکر بشر و قرار دادن حکومت‌مندی در آنها به صورت مبنا قرار دادن فناوری.

د) ترسیم غایت امر سیاسی در سه نوع آرمانی و عرضه نظریه شانس برای ترسیم نحوه بحران‌ها و زوال‌های حکومت‌مندی.

واژه‌های زیادی را با وجوه فکری گوناگون از متفکرانی چون بودریار، دلوز، فوکو، فارابی، سعدی، ماکیاوول، هابرماس و ... وام گرفته‌ایم. این مقاله به لحاظ محتوایی محافظه کار عملی است و به لحاظ درونی و تقسیم بندی ظاهری به نوعی آرمانی و پدیداری است. واژگان بروکراسی، دولت الکترونیک، قدرت خودتنظیم کننده، انقیاد نرم، حکومت‌مندی اطلاعاتی، بروکراسی دیجیتالی، هژمونی فرهنگی و قدرت‌های زیستی را از متفکران رادیکال جدید و

فیلسوفان و جامعه‌شناسان سیاسی وام گرفته‌ایم که آنها را به صورت منظم و پدیداری در نوع آرمان‌های گوناگون دسته‌بندی می‌کنیم. ساختار ظاهری نوشتار به شکل زیر است:

(الف) حکومت‌مندی در عصر متافیزیک (اسطوره، فلسفه، مذهب)..... کیفی کارگزاری.

(ب) حکومت‌مندی در عصر فیزیک (علم مکانیک)..... میانه بروکراتیک.

(ج) حکومت‌مندی در عصر اطلاعات (علم کوانتوم)..... اطلاعاتی، سازه‌ای، هوشمند.

نتیجه‌گیری: (تداوم گسست دار، مینا بودن فناوری در فلسفه سیاسی، نظریه شانس).

حکومت‌مندی در عصر متافیزیک

متافیزیک نوعی لوگوس است که تحول، سیلان و جریان نسبی فکر آدمی را با فریب‌های زبانی گوناگون و ایجاد نقطه‌های مرکزی بنیادین به نحو نادیدنی به تصرف در می‌آورد و امنیت‌دهی را به نحو راهبردی و عموماً ناخودآگاهی دنبال می‌کند. متافیزیک فرای دنیای فیزیکی و ملموس است. پدیدار خدا، روح، فرشته، حقیقت، خوبی‌ها، اخلاق و ... در حیطه توصیفی و تحلیلی تفکر متافیزیک قرار می‌گیرند. عصر متافیزیک با سه حوزه درونی اسطوره، فلسفه و مذهب مشخص می‌شود. مباحث سفسطه‌ای، زبانی، وحیانی، قدسی و نیروهای فرا انسانی و حتی طبیعی‌ای که مشغولیت هرج و مرج آدمی را در پرتو ناملايمات گوناگون رام می‌کردند و به امیدی دوباره، زندگی جدیدی را با اخلاق، مذهب و قداست‌های بی چون و چرا نوید می‌دهند. متافیزیک همه عمر چند هزار ساله بشری بجز نیم قرن احاطه کرده و هنوز هم بسیاری از افکار و آرمان‌های بشر متافیزیکی است (راسل، ۱۳۵۱: ۴۲).

اندیشه سیاسی در قالب سامان‌دهی امر سیاسی و نشانه روی حکومت‌مندی در عصر متافیزیک جلوه‌هایی کیفی و ماورایی به خود می‌گیرد. فکر متافیزیکی در عرصه سیاست در قالب اسطوره سیاسی، فقه سیاسی، فلسفه سیاسی، حکمت سیاسی، عرفان سیاسی و اندرزنانه سیاسی خود را نمایان می‌سازد. آثار اندیشمندانی چون افلاطون، فارابی، ارسطو، فردوسی، سعدی، آگوستین، علامه مجلسی، غزالی و ابن رشد و ... در قلمرو عصر متافیزیک قرار می‌گیرند. عصر متافیزیک تاریخ، زمان و مکان خاصی ندارد و پتانسیل خود را در صورت سامانه‌های طبیعی و انسانی با فرا رسیدن عصر فیزیک و اطلاعات از دست داده است و به صورت عرف، ناخودآگاه، استفاده ابزاری و نمادین و حتی ناخودآگاه خود را در ارتباطات انسانی نشان می‌دهد. با وجود نقش حاشیه‌ای به صورت سازه‌ای هنوز نقشی قدرتمند در سامان‌مند کردن زندگی سیاسی بشر بازی می‌کند.

عصر متافیزیک به لحاظ عنصر کاربردی، تکیه بر سخن و برآمدن آن به صورت سازه‌ای را عرضه می‌کند. گفتار به لحاظ قداست و پدیدارهای آداب و رسوم عرفی ترتیبات نقشی را بر خود

حمل می‌کند که سامانه اجتماعی را نظم می‌بخشد. عرصه طبیعی به صورت بسیار ابتدایی و اغلب با فناوری‌های دستی و ابتدایی بسیار ساده، تک نفره، همگن و برگرفته از متن طبیعت پیرامون خویش از خاک و گل و چوب و آتش و ... در ساختاری قبیله‌ای یا روستایی استفاده می‌شد و وجوه خطرناک آن نیز به تقدیر، دعا و نیایش واگذاشته می‌شد. عصر متافیزیک فقط ساختاری استبدادی و یکدست نداشت، بلکه در جوامع بسیاری سنت، اجماع و شورا را نیز در شکل قبیله‌ای و حتی شهری تجربه کرد (اباذری، ۱۳۷۷: ۲۴۷). اسطوره‌ها، فلسفه‌ها و مذاهب گوناگون در شکل دهی عملی عرصه سیاسی حکومت‌مندی بسیار کیفی و هنجاری را خلق کردند (یونسی، ۱۳۸۷: ۵۸). حکومت‌مندی در این عصر سیاست را در اشکال پدرشاهی یا روحانی سالاری و حتی نظام‌های شورایی قبیله‌ای سرو سامان می‌داد. افلاطون، آگوستین و علامه مجلسی هیچ یک خیال پردازان آرمانی نبودند، بلکه همه آنها در زمین و جامعه عینی خویش فکر می‌کردند، اما الزامات و محدودیت‌های فناورانه عصر متافیزیک ساختار فکر آنها را چنین ساخته است. آنان واقع‌گرایانی بودند که در متن و زمینه اجتماعی سیاسی جامعه خویش با توجه به دستاوردهای علمی و فناورانه عقلانیت روزگار خویش، قدرت را بر وجهی سلبی و ایجابی نظام‌مند کردند. عصر متافیزیک ساختار حکومت‌مندی را بر اصول وجودشناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و فلسفه تاریخ غایی می‌کشاند و نحوه اجرایی و عملی سیاست را یا به نحو انکاری بی‌سیاست می‌کند و یا در بهترین حالت حکومت‌مندی‌ای هنجاری و کیفی رسم می‌کند. عرف‌ها، عادت‌ها و حتی دعاها و مراسم در پدیدار واقعی متافیزیک قدرتی داشتند که برای مردمانی که در آن زیست جهان بودند، واقعیت و حقیقت غیر قابل انکاری تلقی می‌شدند.

اسطوره‌ها در عصر متافیزیک آنقدر روایی و حماسی می‌شوند، که کمتر متفکری عمل حکومت‌مندی را جدی می‌گیرد. زیرا تنها به جمع آوری سخن‌های آرمانی و ذخیره‌های سنتی از پیشینیان خود مشغول‌اند که در قالب حاشیه نویسی حکومت‌مندی را در فلسفه، مذهب و حکمت‌های زیبا و پیچیده شکل می‌دهند. مبانی نقطه‌ای در اندیشه ایرانی، چرخش زمین و آسمان و نظم طبیعی و انسانی است که «فره» نام دارد و عامل اساسی آن شاه باستانی ایران‌شهری است (حلبی، ۱۳۸۱: ۴۷۳). در اندیشه شیعی و تداوم خرد ایرانی، مفهوم عصمت نیز در بررسی ساختار علمی بازدارندگی قدرت‌های موجود بود و به لحاظ نقد و اعتراض پی در پی به وضع استبدادی، فاسد و غیر قابل مهار که خود را در نمونه‌های آرمانی و کاملی به صورت تداوم ارثی نورانیت شاکله‌بندی می‌کرد. این وجه خود را در انتقال از الاهیات سیاسی به فلسفه سیاسی در صورت فضیلت‌هایی همانند عدالت و عقلانیت بازسازی می‌کرد. حکومت‌مندی یعنی حفظ کاست‌ها و طبقه‌های جامعه به لحاظ امنیت دهی هر چند ظالمانه به ذهنیت مردم و راضی نگه داشتن آنها که این راهبرد تقدیرگرایانه (حافظ، ۱۳۷۹: ۳۶۵) ضد سیاست که در کاست بالایی و

هرم بالایی جامعه کاربرد علمی، آن هم به وجه نظریه پیدا می‌کند، وظیفه فلسفه و اندیشه سیاسی متافیزیکی است. جامعه‌شناسی سیاسی عصر متافیزیکی بر همبستگی و حفظ وحدت است (فارابی، ۱۹۵۵: ۸۳). یک‌دستی که باید ناخودآگاه قومی جمع را زنده کند و ساختار بدیهی انگاشته آن را با حفظ خطوط قرمز بازتولید نماید. همه امور ایدئولوژیک و نادیده، قدرتی ساختاری دارند، که زیستن در آنها می‌تواند تحمیل شدگی و انقیاد جمعی تاریخی را به نحو عینی نمایان سازد. سعدی جامعه مردمان عصر خویش را به صبر و تحمل و نوید جهان دیگر فرا می‌خواند و پادشاهان را اندرز طبیعی و ایران باستانی می‌دهد، تا عبرت بگیرند و عدالت و فضیلت را در اخلاقی متافیزیکی که به مصلحت نزدیک است در جامعه رعایت گردد. تربیت مخصوص شاهزادگان است و علم از حکومت جدا و دنیا محل عبور و گذر و آرمانی در پایان تاریخ است. سیاست در شخص شاه و حکومت‌مندی در کیفیت زندگی جمع می‌شود. نصیحت پادشاهان کردن کسی را مسلم بود، که بیم سر ندارد یا امید زر (سعدی، ۱۳۷۹: ۲۵۲).

نوع آرمانی حکومت‌مندی متافیزیکی در فردی صالح و نیک جمع می‌شود که اخلاقی است و اشتباه نمی‌کند. در جامعه‌شناسی سیاسی به او پدرشاهی و در فلسفه سیاسی او را فیلسوف شاه می‌دانند. دیکتاتور صالح، یعنی فردی که حکومت مترقی‌ای در جهت توسعه ملی و پیشرفت کشورش طراحی کرده است. حرکت از اندیشه به عمل وجوه منفی حکومت‌مندی متافیزیکی را در قالب استبداد، ترور، رباکاری، قتل عام مردم و حاکم کردن یک طبقه به صورت تجمع قدرت در یک کاست خشونت‌گرا یا فریب‌گرا در تاریخ به ثبت رسانده است (بوشه، ۱۳۸۵: ۲۵۱). حکومت‌مندی متافیزیکی در قالب اندیشه‌ای تولید می‌شود که به ناچار فردی و کیفی شده است و بزرگ‌ترین هدف آن در عرصه سیاسی با توجه به محدودیت‌هایش اندرز دادن به سلطان بر اساس مبانی عقلی و نقلی است تا او را بترسانند و راه و سلوک کشورداری را به او بیاموزند. از اندیشه آرمانی مدینه *فاضله* فارابی تا اندرزهای مصلحتی خواجه نظام الملک و حتی جمهور افلاطون بر این سبک نوشته شده‌اند، که فضایی را که در آن در حال زیست هستند، با آلترناتیوی از ممکنات برحق‌ترین مشروعیت سیاسی به صورت کنترل جمعی و حفظ نظم پاس دارند. این گونه از حکومت‌مندی علاوه بر معیشت و نظم دنیوی، نظم معنوی و حقیقت‌غیرفیزیکی را نیز در خود رعایت می‌کند. اعمال قدرت حکومت‌مندی متافیزیکی، مطلقه است، مردم یا اعضای قبیله و طائفه‌اند و یا رعیت کشور و در نوع جدید خوانش توده‌ای همبسته در مقابل دشمنان داخلی و خارجی که همیشه سیاست عملی را با وحدتی ضد فردانیت و تکثر، نشانه‌رو می‌کنند. مقابله و رام کردن انسانی و طبیعی با اندرز در قالب ترسیم ویژگی‌های رهبری و شکل سالم و طبیعی هرم حاکمیت شروع می‌شود و با اخلاقیات مذهبی، طبیعی و فلسفی به صورت جبری به دست

مردم می‌آید. تاریخ بزرگترین بحران و علم و فناوری زوال حکومت‌مندی متافیزیک به حساب می‌آید، که اغلب آن را به صورت مشروط، محدود و ویتیرینی و یا نمادین در می‌آورد.

حکومت‌مندی در عصر فیزیک

جریان مشاهده، تجربه کردن و شهود رسیدن به قانون کلی و عامی که بتواند موضوع مطالعه خویش را پیش‌بینی کند (تاماس، ۱۳۸۰: ۸۰) همیشه در همهٔ جوه‌های آگاهی بشر وجود داشته است. اما آنچه را بر قرون جدید -از رنسانس به بعد- با واژگان روشی علمی نام نوگرایی می‌دهد می‌گذارد، نوعی امکانیت است که امیدها و آرزوهای بشر را در زمین با قدرت ذهن خویش و به دور از ماوراهای مایوسانه و طغیانی برآورده می‌سازد. بشر، امور محسوس را می‌نگرد و کمتر شعر و افسانه را با آگاهی واقعی همدم می‌سازد و این امکانیت را فناوری‌های عصر فیزیک فراهم کرد (راسل، ۱۳۵۱: ۵۲). فیزیک علم دقیق، قطعی و روش ریاضی گونه‌ای داشت که به دور از کیفیت‌های رازورزانه می‌توانست، محیط‌های انسانی و طبیعی را به نحو واقع‌گرایانه از شرهایی همانند سیل، زلزله، خشکسالی، وبا، طاعون، جنگ، شورش، انقلاب، کشتار و ... برهاند و به صلح، آزادی، رفاه، شادی و سلامتی و ... نزدیک‌تر سازد. علم نه تنها یک معرفت و عرضه یک حقیقت که گونه‌ای روش زندگی و جهان‌بینی است که جهان زیست عصر فیزیک را شکل داده است (لنک، ۲۰۰۹: ۳). عصر فیزیک از رنه دکارت، فرانسیس بیکن، دیوید هیوم در معرفت بشری آغاز می‌شود و تا قدرت داشتن سامانه فیزیک مکانیکی نیوتنی ادامه دارد که حوزه مدرنیته را شکل می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۵۶). تطابق عینیت بر ذهنیت در عصر فیزیک بر اصول بدیهی مشاهده، تجربه و قانون علمی استوار شده بود. بشر همه چیز را برای شادی، رفاه، لذت بیشتر و دوری از غم، رنج و عذاب به سلطه و محدوده عقلانیت خویش درمی‌آورد (جهانگیری، ۱۳۷۶: ۱۷۷). احساسات موجود در طبیعت و در ذات انسان‌ها همانند سیلی هستند که باید با منطق ریاضی‌وار منظم و چارچوب دار بشر رام گردند (فروند، ۱۳۷۲: ۶۲) تا او بتواند سامان آرامش‌دار و امنیت‌وار زندگی جمعی زمینی خود را در عصر فیزیک پی‌ریزی نماید.

حکومت‌مندی در عصر فیزیک از حالت کیفی، کارگزاری و هنجاری خارج شده و با مبانی فلسفه طبیعی و مکانیکی به سمت بایدها و هست‌های جامعه‌شناسی سیاسی حرکت می‌کند. از اندرزه‌های واقع‌گرایی دنیوی ماکیاول تا لوگوس مدرن و مکانیکی لویاتان و اندیشه قرارداد اجتماعی لاک و روسو و سرانجام اندیشه‌های جامعه‌شناسانه مارکس، نیچه، دورکهایم، وبر، هابرماس و گیدنز در این جهان زیست جای می‌گیرند. برای اولین بار در عصر فیزیک، حکومت‌مندی یعنی هنر حکومت کردن و اندیشیدن راجع به سیاست معنی پیدا می‌کند و چرا که سیاست از کاست و هرم رهبران به سوی مردم، رعیت، توده اما به نام شهروند کشیده

می‌شود. تفکیک ذاتی حوزه‌ها و تخصصی شدن مداوم شاخه‌های درونی و در یک تقسیم‌بندی کلی جدایی امور معیشتی، زیبایی، اخلاقی، قدسی و ... از یکدیگر در عصر فیزیک به بشر اجازه تنفس فارغ از سایه سنگین یک کلان روایت را داد. تفکیک حوزه قداست‌ها و معنویات از حوزه معیشت در مسیحیت، خود را به صورت شاه مطلق در دعوای امپراتور و پاپ نشان داد و حکومت‌مندی به سبک دولت ملی، شهروندان قرارداد اجتماعی را در فلسفه سیاسی ایجاد نمود. شاید تحلیل متفکران پسامدرن درست باشد که حکومت‌مندی جدید نیز ساختاری مراقبتی و شبانی دارد، اما سیاست تنبیهی و تعذیبی‌ای که بدن‌ها را با تکه تکه کردن به انقیاد رعیت وار خود در می‌آورد کجا و سیاست انضباطی‌ای که با علوم و دانش‌های فناورانه جدید انسان‌ها خود را به بازی می‌گیرند (فوکو، ۱۳۸۷: ۱۹۶) کجا؟

حکومت‌مندی عصر فیزیک در وجه ایجابی خود شهروندان درون مرزهای ملی را فارغ از نژاد، مذهب، رنگ، جنسیت و ... برابر قلمداد کرد و دولتی را با قرارداد اجتماعی به گونه‌های مختلف از جمهوری تا دموکراسی‌های نمایندگی بر آنها حاکم کرد، که این مشروعیت، غایت خود را در نظم، امنیت، رفاه و شادی مدام بازتولید می‌کند (کالوین، ۲۰۰۸: ۴۱۲-۳۹۹)، که به دور از انگیزه‌های فردی و کیفیت رهبری در پندنامه‌های کیفی، کارگزاری عصر متافیزیک است. وجه مهم به علت جبرگرایی موجود مبتنی بر قدرت‌مندی امور پیش‌بینی ناپذیر، شاید به سمتی برود که هنوز نتوانسته است مرگ را رام کند. ممکن است بشر هنوز در عذاب جنگ‌ها و مریضی‌ها باشد، اما ساختارهای بروکراتیک اساس حکومت‌مندی مدیریت علمی عصر فیزیک هستند. بروکراسی حالتی میانی از ساختار، کارگزار است که در آن سلسله مراتب نهادی خارج از اراده و اختیار انسان به صورت روابط غیرمستقیم و با واسطه‌های رسمی از روابط چهره به چهره شکل می‌گیرد، تا در غیاب انسان، قانون و عرف‌های جمعی زندگی اجتماعی سیاسی انسان‌ها را بی‌طرفانه مبنادار کند (پالومبو، ۱۳۸۸: ۱۸۰). ماکس وبر ویژگی‌هایی را برای بروکراسی نام می‌برد که عبارت‌اند از: سلسله مراتب دفتری، تخصصی شدن وظایف، کار حرفه‌ای به همراه امنیت حقوق و مزایا، یکنواختی قوانین، نظم غیرشخصی، صلاحیت در تخصص‌ها و انضباط کاری به همراه کنترل ساختاری (بوشه، ۱۳۸۵: ۵۱۰-۵۱۲). اصل تفکیک قوا سه قوه قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی را دور از هم شکل می‌دهد، تا بخش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه به نحو مطلوب و کارآمد اداره گردد. اداره و بروکراسی نظریه سیاست‌گذاری عصر فیزیک است. ارگان‌هایی که تبلور سیاست را از تاج، تخت، دربار، شمشیر و ... به نهادی قانونی و شفاف برمی‌گردانند تا با زبانی علمی و قابل اعتماد شهروندان را در سازه مشروعیتی قابل اشاره و قابل پاسخ‌گویی قرار دهند. در پرتو این تحول سیاست بر ضمانت اجراهای واقعی، عینی و جمعی مجهز می‌شود که دیگر دلخواهانه در دست انسان‌ها نیست و بشر خود در درون ساختارهایی گیر می‌افتد که با

اقتدار عقلانی و قراردادی خویش شکل گرفته است. حکومت‌مندی بروکراتیک در عصر فیزیک همانند سازو کار منظم یک ماشین قابل پیش‌بینی می‌شود و انسان‌هایی که مخاطب آن قرار می‌گیرند، قواعد عرف و سازوکار یک ماشین سیاسی کارآمد و مفید را جویا می‌شوند، که نحوه طراحی تا پیاده شدن، اجرا و ارزیابی و اصلاح این فرایند را متخصصان علوم انسانی در رشته‌های گوناگون بر عهده می‌گیرند. درجه بندی و ارزیابی حکومت‌مندی بروکراتیک به نحو ملموس با اعداد و ارقام ریاضی و قواعد مدیریت و حسابداری انجام می‌پذیرد. در وجه مدنی نیز قدرت به سبکی سلبی به نمایش گذاشته می‌شود، جایی که جامعه مدنی شکل می‌گیرد و با اعتقاد به حقوق بشر برای انسان‌های دارای حق زیستن شهروندی، حق بیان و آزادی‌های مشروع انتقادی در چارچوب قانون اساسی برآمده از دولت ملی و قرارداد اجتماعی، سامانه حکومت‌مندی عصر فیزیک را تکمیل می‌کند. شهروندان دارای حق و حقوق مشارکت در امر سیاست می‌شوند و می‌توانند حزب، صنف، روزنامه، رادیو و تلوزیون، سایت و ... داشته باشند و با انتقادات، تجمعات، تحصن‌ها و تظاهرات‌ها پاسبان دولت و قدرت مشروع خود هستند.

حکومت‌مندی عصر فیزیک خود را به صورت گونه‌های مثبت جمهوری خواهی و حکومت شهروندان دموکراتیک و همین‌طور دموکراسی‌های نمایندگی نشان داده است. البته برخی مواقع هم به دلیل افراط کاری‌های علمی در زدودن سنت‌ها و یا طغیان‌های قومی و ملی به سمت آرمان‌هایی چون فاشیسم و کمونیسم حرکت کرده است. حکومت‌مندی عصر فیزیک به علت داشتن خاصیت بازاندیشی مداوم و سوژه‌گی یعنی خودآگاهی ذاتی مورد نقدهای بسیاری قرار گرفته است. در معرض دید واقع شدن و آشکارشدگی شفاف مدرنیته باعث شده است، این گونه از حکومت‌مندی را روسو و کانت از زاویه دید احساس، عاطفه و اخلاق و مارکس و چپ‌گرایان از زاویه نداشتن عدالت و اخلاق انسانی و از سوی دورکهایم به آنومی و ایجاد بحران‌های متوالی محکوم می‌شود. وبر تحلیل قفس آهنین را از بروکراسی عرضه می‌کند و هابرماس کنش ابزاری، غیرتعاملی ارتباطی آن را نقد می‌کند (هابرماس، ۱۳۸۴: ۴۱۵). اندیشه فروید، نیچه و مارکس عقلانیت حکومت‌مندی فیزیک را به نقد رادیکال کشاندند و با اخلاق‌های آرمانی و ساختارشکنانه در هنجار، خستگی روزمره این نوع حکمرانی را به پوچ‌گرایی، نسبی‌گرایی، سنت‌ستیزی و ضد اخلاق‌گرایی و حتی ضد انسانی محکوم کردند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۳۸۶).

در نتیجه باید گفت این گونه حکومت‌مندی اندیشه‌ای میانه با تبلور بروکراسی سازمانی بود، که شیوه رفتار انسان‌ها را به روشی کارکردی و سیستمی در سازمان‌ها و نهادهای گوناگون تنظیم می‌کرد. بروز کیفیات کارگزاری و روابط رو در روی انسانی باعث ایجاد سازه‌های قدرتمندی می‌شود که نوسان این حکومت‌مندی را از حالت ساختاری می‌انداخت و به بحران‌های متوالی نزدیک می‌ساخت.

حکومت‌مندی عصر اطلاعات

با غالب شدن پارادایم کوانتوم در فیزیک (پوپر، ۱۳۸۴: ۲۶۸) و اهمیت پیدا کردن سوژه‌های کلی، تاریخی، برساخته، تدریجی و باز شدن تحلیل‌های سازه‌ای و هویتی در علوم انسانی به همراه مباحث زبان‌شناسی فلسفه قاره‌ای، عصر اطلاعات به لحاظ مبانی فلسفی در حال شکل‌گیری بود. ساختارگرایان، پدیدارشناسان، سازه‌انگاران و سرانجام پسامدرن‌ها؛ به طرق گوناگون بر تفکرات سنتی و مدرن نقدهای رادیکال وارد کردند (ساراپ، ۱۳۸۲: ۱۲۶). تحلیل‌گران منتظر بودند تا روابط جدید انسان با طبیعت و جامعه خویش ایجاد گردد. این آرزو با فروپاشی شوروی و حاکم شدن فناوری اطلاعات و آغاز علوم، فنون و انرژی‌های جدید به تحقق خویش نزدیک گردید. خط فکری در قرن بیستم از همان اول، امواج عصر اطلاعات را با خود داشت. از سال ۱۹۹۰ به بعد به لحاظ ابزاری و فناوری، امکانیت این اندیشه بیشتر شد. فراگیر شدن کامپیوتر و شبکه‌های مجازی و حاکم شدن منطق اعداد به نحو رادیکال و وصل شدن انسان‌های سراسر کره زمین به یکدیگر در فضای مجازی و بمب باران اطلاعاتی که از سوی انسان‌ها و جماعت‌های ملی، فروملی و فراملی آغاز شده بود، زندگی بشر را از دوگانگی ذهنیت و عینیت عصر فیزیک جدا کرد و با از جای خود کنده‌گی رادیکال پسامدرنیته آنها در یک هویت و روابط جدید اجتماعی در فضاهای مجازی عصر اطلاعات قرار داد. در عصر اطلاعات فکر و ذهن بشر با حالتی کنشگرانه و جمعی در حیطه عملی نامحدود با نزدیکی زیاد و بدون محدودیت مکانی و زمانی و تا حدی دور زدن ساختارهای قدرت عریان بودگی رادیکال خود را به نحوی شگفت‌انگیز نشان داد. اکنون ابتدای عصر اطلاعات در قرن بیست و یکم است و بشر در آستانه دنیایی جدید از توانایی‌های بالقوه خویش ایستاده است.

امکانیت‌های عصر اطلاعات برای حکومت‌مندی به صورت سازه‌ای و هوشمند تبلور پیدا می‌کند. در عصر مکانیک و فیزیک، بروکراسی میانه‌ای از ساختار- کارگزار بود، که هنوز دوگانگی عین و ذهن را درون خود داشت. در عصر اطلاعات محوریت با فضایی فرای زمان و مکان مکانیکی شده است تا در دنیای مجازی برای خود سازه‌ای قدرتمند و هویتی را شکل دهد، که می‌تواند ابزار، جهان زیست و اندیشه رو به رشدی را در جهت سلبی و ایجابی قدرت ایجاد نماید (لاگندیک، ۲۰۰۹: ۳). در جنبه ایجابی دولت الکترونیک ایجاد می‌گردد. اطلاعات تفکیکی، تخصص و به روز شده‌ای که سازه دولت مجازی را شکل می‌دهد، تا آن را از نهادگرایی سازمانی و کاغذبازی فسادآوری که می‌بایست با فرهنگ سازمانی اصلاح شود، دور می‌سازد. بر این اساس خدمات دولت هر روزه، به صورت آنلاین و بیست و چهارساعته است. شهروندان به نحو دائمی دولت را در دسترس می‌یابند و تقاضاها را بدون روابط کیفی چهره به چهره مطرح می‌کنند. تمام

کیفیت‌گرایی که در اندیشه اندرزی و حتی اخلاقی متافیزیک و علم فیزیک بود در عصر اطلاعات جایش را به حوزه مجازی می‌دهد که تا حد ممکن بشر را در روابط برابری قرار می‌دهد که در آن نژاد، جنسیت، مذهب و ... بی‌معناست. تخصص کارکردی به لحاظ دانستن کار ابزاری و دادن طرح‌ها و الگوهای خلاق کاربرد پیدا می‌کند. سیاست علاوه بر کارآمدی مجازی دولت الکترونیکی در داخل، به صورت دیپلماسی نزدیک مجازی و شفاف با جهان خارج خود را با سرعت، دقت و روزآمدتر دگرگون می‌سازد. دیپلماسی الکترونیکی و اطلاعاتی کشورها را با شهروندان، سازمان‌ها و دولت‌های بیرون از مرزها مرتبط می‌کند. از سوی دیگر ایجاد کردن امنیت و اداره جنگ‌ها خود را در شکل قدرت نرم و رسانه‌ای، دیجیتالی بازتولید می‌کند. سامانه‌های اطلاعاتی که به نحو هجومی و خارق‌العاده فضای کشورها را درمی‌نوردد.

حکومت‌مندی در عصر اطلاعات خود را به ریزترین شکل قدرت در همه ابعاد زندگی جاری می‌سازد. شهروندان توانایی فرا رفتن از مرزهای ملی را پیدا می‌کنند و در فرایند جهانی شدن قرار می‌گیرند که استانداردهای بین‌المللی قراردادی بر آنها حکمفرماست. از وجه انتقادی به قدرت نیز شهروندان جهانی با حجم انبوهی از اطلاعات مواجه می‌شوند. حکومت‌مندی در قالب پاسداشت و تنظیم رفتار سیاسی، اجتماعی شهروندان به نحو انتقادی از ابزارهای فناورانه تلفن، تلویزیون و ماهواره که سلوکی استبدادی و جهان‌زیستی احمقانه و یک طرفه داشت به سمت موبایل، اینترنت که توانایی مشارکت بالفعل بالاتر و شعور مدنیت بالاتری هستند، حرکت کرده است. شهروندان همه عکاس، روزنامه‌نگار و مفسران محیط اطراف خود هستند. هیچ واقعه و رویدادی از چشم آنها مخفی نمی‌ماند و اطلاعات از دست مراکز قدرت سیاسی و اقتصادی به حالت پخش غیر متمرکز در میان مردم افتاده است. شهروندان فعالان جذاب و تنوع‌خواه جامعه مدنی جهانی شده‌اند که فرایند جمع‌آوری، ارزیابی و انتقاد اطلاع‌رسانی را چندطرفه، انتقادی و مدام در حال تغییر و اصلاح کرده‌اند. رایانه‌های متصل به اینترنت و موبایل‌های پیشرفته می‌توانند دموکراسی مستقیم دیجیتالی را به صورت انتخاب نماینده، پرسش کردن، زیر سؤال بردن و دادن طرح به دولتمردان ممکن سازند. شهروندان نیاز چندانی به حضور واقعی در حزب، صنف و دولت برای اجرای سیاست ندارند، چراکه از طریق امکانات جدید فناوری اطلاعات هر شهروند با داشتن ذره‌ای مسئولیت و تعهد می‌تواند عرصه سیاست را تغییر دهد. بازی‌های زبانی و دال‌های نمادین در حوزه سایبر با کمی خلاقیت می‌توانند اثرگذاری زیادی بر سیاست داشته باشند؛ چرا که زبان، نمادها، تصاویر و اساساً فکر در عصر اطلاعات سیاست است. ویژگی‌ای که باید برای حکومت‌مندی در عصر اطلاعات نام ببریم عبارتست از: زبانی، سازه‌ای و هوشمند.

عمده مباحث حکومت‌مندی در موضع فلسفه سیاسی جدید در عصر اطلاعات تحلیل شده است. از رویکرد انتقادی که عمده‌ترین موضوع رساله‌ها، کنفرانس‌ها و تحلیل‌ها راجع به

حکومت‌مندی است، چنین بحث می‌شود که حکومت‌مندی گونه‌ای قدرت شبانی است. قدرتی که در تمام امور زندگی انسان به نام مصلحت‌های علمی مداخله می‌کند. ایجاد شدن جامعه انضباطی و کنترلی (فوکو، ۲، ۱۳۸۹: ۴۵۱) (ردفیلد، ۲۰۰۵: ۸۰-۵۰) و تبدیل انسان‌ها به موجوداتی قابل ردگیری و اندازه‌گیری در نمودارها و جداول دیجیتالی که به راحتی علائق، آرزوها، خواسته‌ها و کارهایش مشاهده، ارزیابی و تحت کنترل قرار می‌گیرد در این تحلیل‌ها جای می‌گیرد. هر وسیله الکترونیکی از کارت تا موبایل، تلویزیون و ماهواره تا اینترنت جاسوس قدرتهای گوناگون است. در زندگی خصوصی انسان‌ها و همه فضاها تبدیل به زندانی شده است که برای زنده ماندن باید آزادی خویش را اعطا کنیم و زندگی و خودیت خود را در معرض عریانی کامل برای همگان قرار دهیم. انسان‌ها چون حیوانات دیجیتالی در مدارهای منظم قابل ردگیری، کنترل و دستکاری می‌شوند و روز به روز بر کنترلی شدن جامعه بشری افزوده می‌شود (میلر، ۱۳۸۲: ۲۳۶) و با توجه به پیوند فناوری‌های اطلاعاتی ارتباطی با میانه فیزیک به شیمی، زیست‌شناسی و ژنتیک، کنترلی شدن کم کم دارد حالت جان داری نیز به خود می‌گیرد و هیچ کس در شکل کلی از این فرایند خطرناک خبر ندارد. هر فرد در سیستم مدارهای بی منطق کلی و بی‌احساس تبدیل به صفر و یکی می‌شود که ماموریت دارد و ابزاری بیش نیست. هیچ کس گم نمی‌شود و هیچ فضایی برای دروغ و مخفی شدن وجود ندارد (ترونگ، ۲۰۰۹: ۱۱۸۴، لمکه، ۲۰۰۰: ۴).

غزالی اعتقاد داشت در فاصله میان باورهای صحیح و مصلحت‌های واقعی زندگی جمعی شرها شکل می‌گیرند. شرها و دروغ‌ها بنای جامعه می‌شوند و فاصله میان نزدیک کردن اعتقاد و مصلحت به هم امور زندگی را در این نوسان کارگزاری و کیفی شکل می‌داد. حال در نظر آورید با عدم امکان دروغ و برداشته شدن فاصله ذهن و عین بسته به قصدیت کلی‌ای که در بالای جامعه قرار می‌گیرد در سطح جهانی و ملی می‌تواند کلان روایت خویش را چنان حاکم کند که او تعیین می‌کند هنجار چیست؟ در چنین فضایی حوزه خصوصی بی‌معناست و دولت، سازمان‌های تجاری و بنگاه‌های اقتصادی، تبلیغاتی ریزترین اعمال آدمی را در پیوند با مشروعیت‌های دموکراتیک و حتی آکادمیک می‌سنجند و به نحو ابزاری به سمت خود سوق می‌دهند (ترونگ، ۲۰۰۹: ۱۱۸۹). ماهیت نرم و مجازی جنگ‌ها به معنای بی‌تأثیری، بازی و توهمی بودن وضعیت نیست. همه چیز همانندسازی شده است و انسان‌ها کنش جمعی خود را در جهت گرفتن حق خود و دیگران به خاطر از دست دادن حس تحریک پذیری خود فراموش کرده‌اند. تصاویر، اطلاعات و رویدادهای خارق‌العاده آن قدر زیاد شده است که انسان‌ها زندانی دال‌های مجازی‌ای شده‌اند که نمی‌توانند واقعیت را ببینند.

حکومت‌مندی عصر اطلاعات از زاویه مثبت نیز دارای پیامدهای بی‌شماری بوده است از جمله اینکه: حکومت‌های مستبد، زورگو و پرادعا را به زوال و تمسخر جهانی کشیده است و حاکمیت

دزد و غارتگر دولت ملی را در بسیاری از کشورهای جهان سوم به تنگ آورده است و مجبور شده‌اند به قواعد و استانداردهای جهانی تن بدهند و عرف‌های حقوق بشر را رعایت کنند. فناوری اطلاعات، حباب خودشیفتگی و مرکز مداری بسیاری از فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را ریخته است و آنها را با خود مواجه کرده است و پس از این عصر است که خود انتقادگری آغاز شده است. حاشیه‌ها، اقلیت‌ها و بسیاری از تمدن‌ها و هویت‌هایی که در سکوت عصر مکانیکی به سر می‌بردند، اکنون به صحنه آمدند و خود را حداقل به شکل ویتروینی به دنیا نشان می‌دهند و از مزایای آن بهره می‌گیرند. فناوری جدید حکومت‌مندی سازه‌ای را شکل داده است، که شهروندان به نحو مستقیم با ایجاد گروه‌ها و هویت‌های مجازی از حقوق و منافع متکثر خویش در عرصه عمومی جهانی دفاع می‌کنند (همل، ۱۳۸۸: ۸۴). هیچ امری مخفی نمی‌ماند و شهروندان علاوه بر دیدن کارآمدی و رفاه بیشتر و داشتن وقت آزاد در عصر اطلاعات به دلیل ایجاد شدن خدمات فوری و دم دست در دولت الکترونیک، تجارت و اقتصاد جهانی قدرت مقاومت و خودآگاهی و طغیان علیه هر ساختاری را پیدا می‌کنند. چشم‌های شهروندان خسته از گرد و غبار، دود و روغن عصر مکانیک نیست و آنها آزادانه موضوعات ریز و درشتی را می‌نگرند، که زمانی هیچ اهمیتی نداشت اما همه می‌دانستند که جمع شدن آنها چه استبدادی را به همراه خواهد داشت. در نتیجه باید گفت حکومت‌مندی عصر اطلاعات با ویژگی‌های کمی، هوشمند و سازه‌ای هنوز در حال شکل‌گیری است (فوکو، گفتگو: ۲۸)، تا تمدنی متساهل، متکثر و دارای عقلانیت خرده روایتی را در سطح جهان ایجاد نماید (فوکو، ۱۳۸۹: ۲۳۵).

نتیجه‌گیری

انسان‌ها، گرایش به آزادی دارند و هیجان، خلاقیت محور آن را در پرتو لذت فهم خود و غرور ناشی از آن شکل می‌دهد. از سوی دیگر گرایش دیگر او امنیت خواهی است و نمی‌خواهد آنچه با تاریخ به دست آورده است، به راحتی از دست بدهد. خرد و اندیشه، انسان را به جلو می‌راند، اما ساختارها و سازه‌ها انسان را مقید به شرایط خویش می‌کند. آنچه تاریخ را می‌سازد، آمیزه‌ای از فکر کارگزاران جمعی است، که در ساختارها به نحو مؤثری عمل می‌کنند. تاریخ نه زاده فکر است و نه اوضاع عینی. انسان جمعی زندگی می‌کند و زندگی جمعی او دارای عقلانیت به سبک خود است. دایره فهم آدمی را فکر عملی و دم دستی او شکل می‌دهد. فهم او از آگاهی‌ای که به عمل تبدیل می‌شود و ذهنیتی که به نحو مطلوب در عمل رسوخ می‌کند، همان فناوری است. فناوری اصلی‌ترین عامل سازنده تمدن بشر و شکل دهنده فلسفه سیاسی اوست. عرصه عملی و توانایی انسان برای فائق آمدن بر ساختارهای عینی و سازه‌های ذهنی اوست که علوم و دانش را شکل می‌دهد. ایجاد اندیشه اصلاح نیاز به ابزارها و امکان‌هایی دارد که به بشر امید و هیجان لازم

جهت حرکت بدهد. انسان بدون فناوری در وضعیت یکسان بدون تاریخ می‌ماند. فناوری زیربنای فلسفه سیاسی و امکانیت کارآمد مشروعیت سیاسی است. نحوه کنترل و کاهش احتمالات زندگی جمعی بشر به فناوری بستگی دارد. فناوری از یکسو ابزاری است و از سوی دیگر دانشی که مبنای زیست جهان خلق شده خویش است. از همه مهم‌تر باید گفت فناوری جهان زیستی ناخودآگاه است که انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند. مبنای زیربنای فلسفه سیاسی نه کارگزاران و نه فکر محض است و نه ساختارهایی همانند اقتصاد و زبان. زیربنای فلسفه سیاسی فناوری و سازه‌های جمعی مدام در حال تغییری است که به صورت ناخودآگاه انسان‌ها در آن قرار می‌گیرند، بدون اینکه خود انتخاب کنند و در بیشتر مواقع بدون اینکه خود بدانند. بدن گونه است که فلسفه تاریخ حکومت‌مندی را باید در پرتو فهم فناوری فهمید. به طور کلی سه گونه اندیشه فناوری و عملی در زندگی سیاسی بشر وجود دارد.

عصر	متافیزیک	فیزیک	اطلاعات
ذهنیت	فلسفه، اسطوره، مذهب	مکانیک	کوانتوم
عینیت	کیفیات رهبری، اندرزنامه	بروکراسی، میانه	کمی، سازه‌ای، هوشمند

عصر متافیزیک اندیشه و ناخودآگاه اسطوره، مذهب و فلسفه را شکل داد و در پرتو آن حکومت‌مندی کیفی و اندرزگونه‌ای شکل گرفت. منتهای ضعف آدمی در غلبه بر ساختارهای استبدادی و کارگزاری‌های پیش‌بینی ناپذیر به دلیل ضعف اندیشه عملی در مهار قدرت‌های بی‌حصاری بود که معصوم‌ترین و پاک‌ترین انسان‌ها را تبدیل به جلادان تاریخ می‌کرد. حکومت‌مندی عصر متافیزیک کیفی، شخصی و مربوط به ساختارهای هرم حاکمیت بود. در عصر فیزیک، دانش مکانیکی توانست تا حدی به صورت ریاضی گونه و کمی جهان زیست انسان‌ها و طبیعت را رام کند. حکومت‌مندی عصر فیزیک مبتنی بر نهادها و ساختارهای سازمانی و بروکراتیکی بود، که حالتی میانه از ساختمان‌های وزارت‌خانه‌ای و بروکراسی‌های اداری را با کیفیت فرهنگ سازمانی به نمایش می‌گذاشت. ساختارهای مدیریتی با آغستگی ساختار و کارگزار که با ترفندهای امنیتی و نظارتی مخصوص هر جامعه پی در پی جبران اشتباهات خود را به نحو خودجوش در خود ترمیم می‌کرد. عصر اطلاعات و فناوری بسیار قدرتمند و سازه‌های بسیار نرم و هوشمندی را با خود به همراه داشت که دنیای مجازی را به سمت کاهش بیشترین محدودیت‌ها پیش برد. بر این اساس حکومت‌مندی به سمت سازه‌های مجازی و برنامه‌های منعکس شده در دیپلماسی دیجیتالی، دولت الکترونیک و شهروندان مجهز به فناوری سایبر حرکت کرد، تا در فرایند جهانی شدن، استاندارد و عقلانیت پیش‌بینی پذیر را بیش از پیش امکان پذیر کنند. حکومت‌مندی عصر اطلاعات کمی، هوشمند، دقیق و غیرشخصی است.

سؤال اصلی این است که آیا ما با یک سیر تکاملی و رو به رشد در تاریخ فلسفه سیاسی مواجهیم؟ به طور قطعی نمی‌توان به این سؤال پاسخ داد. اگر فناوری با منطق ناخودآگاه جمعی خویش در سازه‌های زبانی، انسانی، اجتماعی و سیاسی اثر می‌گذارد، در تاریخ فلسفه سیاسی ما با نوعی پیشرفت و تکامل مواجهیم. در هر سه شکل حکومت‌مندی نقاط ضعف و قدرت بسیار متفاوت پدیداری وجود دارد و بحران‌ها به فروپاشی هر یک می‌انجامد. حکومت‌مندی عصر متافیزیک با استبداد، تاریخ الزامات و مصلحت‌های جدید به صورت راهبرد بحرانی هیأت حاکمه نتوانست راه حل‌های دقیق پیدا کند و سریع فرو پاشید. حکومت‌مندی عصر فیزیک به بنیادهای دقیق و منظمی رسید که با آمیخته شدن به کاریزماهای پدرسالاری‌های ارتجاعی و بازگشت به عظمت‌های تاریخ سنتی و فرهنگ توده‌ای فجایع رژیم‌های فاشیستی و کمونیستی و جنگ‌های جهانی را رقم زد. حکومت‌مندی عصر اطلاعات نیز با همه پیشرفت و خردمحوری مبتنی بر تساهل و احترام به غیر روز به روز بر کنترل بیشتر آدمی و محدودیت اطلاعاتی مبتنی بر رسوخ به زندگی شخصی و نابودی کلان روایت‌ها رو به روست. تاریخ سیر حکومت‌مندی را نشان می‌دهد، اما آنچه اساسی است در سیر تاریخ فلسفه سیاسی همان نظریه شانس موجود در فناوری است. جوامع با بخت رو به رویند و هر جامعه‌ای که بتواند فضای حاکم را با منطق عملی و محافظه کار، به نحو انقلابی تغییر دهد، تاریخ را برای خود رام می‌کند. مهم در عرصه حکومت‌مندی سوار شدن بر بخت و رام کردن پیش‌بینی ناپذیری‌هاست. فناوری‌های جدید در یک فضای رو به رشد قرار گرفته‌اند و این شانس انسان‌ها، شهروندان، گروه‌ها، احزاب، کشورها و سازمان‌هاست که چگونه از فضای عملی و فناوری بهره بگیرند، تا تاریخ را به سمتی که در جریان است هدایت کنند به نحوی که خود به حاشیه آن نروند. حکومت‌مندی در سیر خود هر چه جلو برود شانس انسان‌ها را برای ایجاد رخداد‌های نیک و بد افزایش می‌دهد.

منابع

- بابذری، یوسف (۱۳۷۷) خرد جامعه‌شناسی، تهران، طرح نو.
- بوشه، راجر (۱۳۸۵) نظریه‌های جباریت از افلاطون تا آرنست، ترجمه فریدون مجلسی، تهران، مروارید.
- پالومبو، آنتونیو (۱۳۸۸) «فرایندهای سیاسی: حکومت، دستگاه اداری و بروکراسی»، در: راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی کیت نش (جلد ۱) ترجمه محمد خضری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پروکالی، جیوانا (۱۳۸۸) «شهروندی و حکومت‌مندی»، در: راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی کیت نش (جلد ۲) ترجمه محمد خضری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پوپر، کارل ریموند (۱۳۸۴) منطق اکتشافات علمی، ترجمه حسین کمالی، تهران، علمی فرهنگی.
- تاماس، ویلیام (۱۳۸۰) جان استوارت میل، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران.
- جهانگیری، محسن (۱۳۷۶) احوال و آثار فرانسیس بیکن، تهران، علمی فرهنگی.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۹) دیوان حافظ، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران، هنرور.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۸۱) تاریخ فلاسفه ایرانی، تهران، زوار.
- دلوز، ژیل (۱۳۸۵) بازگشت به آینده، ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران، گام نو.
- روبینشتاین، دیوید (۱۳۸۶) مارکس ویتگنشتاین، پراکسیس اجتماعی و تبیین اجتماعی، ترجمه شهناز مستمی‌پرست، تهران، نشر نی.
- ساراپ، ماندن (۱۳۸۲) راهنمای مقدماتی بر پساساختارگرایی و پسامدرنیسم، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران، نشر نی.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۷۹) گلستان، تصحیح محمد علی فروغی، تهران، به نشر.
- الفارابی (۱۹۵۵) آراء اهل‌المدینه الفاضله، بیروت: دارالعراق.
- فروند، ژولین (۱۳۷۳) نظریه‌های مربوط به علوم انسانی، ترجمه محمد علی کاردان، تهران، نشر دانشگاهی تهران.
- فوکو، میشل ۱ (۱۳۸۹) تئاتر فلسفه (گزیده درس‌گفتارها، کوتاه‌نوشته‌ها و گفتگوها)، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانزاده، تهران، نشر نی.
- فوکو، میشل ۲ (۱۳۸۹) تولد زیست‌جهان، ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران، نشر نی.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸) مراقبت و تنبیه، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانزاده، تهران، نشر نی.
- فوکو، میشل، «حکومت‌مندی»، مقالات ویژه، فصلنامه گفتگو، شماره ۴۴: ۷-۳۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) سیاست جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- میلر، پیتر (۱۳۸۲) سوژه استیلا و قدرت، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانزاده، تهران، نشر نی.
- نش، کیت (۱۳۸۸) راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی (جلد ۲)، مترجم محمد علی قاسمی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴) نظریه کنش ارتباطی جهان زیست و نظام، جلد ۲، ترجمه کمال پولادی، تهران، روزنامه ایران.
- همل، پیر (۱۳۸۸) «فراتر از جنبش‌های نوین اجتماعی: منازعات اجتماعی و نهادها»، در: راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی کیت نش (جلد ۲) ترجمه محمد خضری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یونسی، مصطفی (۱۳۸۷) نسبت فلسفه سیاسی و فلسفه زبان افلاطون، تهران، فرهنگ صبا.

- Cerny, Philip (2009) Neoliberalisation and Place: Deconstructing and Reconstructing Borders, in the book *The Disoriented State: Shifts In And Governance Governmentality, TERRITORIALITY*, , London Newyork, Routledge, For other titles published in this series, go to www.springer.com/series/5921
- COLVIN, RODDRICK (2008) Transgender-Inclusive Workplaces and Health Benefits: New Administrative Territory for Public Administrators, in the book *Handbook of Employee Benefits and Administration*, Christopher G. Reddick, Jerrell D. Coggburn, Boca Raton London New York, crc press
- Dean, Mitchel (1999) *Governmentality – power and role in modern society*, London, sage publication
- Griffiths, Martin (2009) *Fifty key thinkers in international relation*, Routledge. London and Newyork.
- Lagenddik, Arnood(2009) *shift in governmentality, territoriality and governance, an introduction* , university of nijmegen, www.springer science.com.
- Lemke, Tomas (2000) Foucault, governmentality and critique, paper present at the *rethinking Marxism confrence*, university of amherest (MA).
- Lenk, Hans (2009) *toward technology and action oriented methodology of constructive realism*, university of Karlsruhe, germany.
- Nadesan, Majia Holmer (2008) *Governmentality, Biopower, and Everyday Life*, London Newyork, Routledge
- Peter, Micheal (2004) *Neoliberal Governmentality, Foucault On The Brith Of Biopolitics*, London, published, www.springer.com
- Protevi, John (2001) *Political Physics, Deleuze, Derrida and the Body Politic*, LONDON and NEW YORK, THE ATHLONE PRESS
- Redfield, Peter (2005) *Foucault in the Tropics: Displacing the Panopticon*, in the book , *Anthropologies of Modernity Foucault, Governmentality, and Life Politics*, Edited by Jonathan Xavier Inda , www.blackwellpublishing.com
- Truong, Dom (2009) *human security and the governmentality of neoliberal mobility: a feminist perspective*, www.springer science.com.
- Wehllng, Peter (2011) *Biology, Citizenship and the Government of Biomedicine: Exploring the Concept of Biological Citizenship*, in *The Book, Governmentality Current Issues and Future Challenges* Edited by Ulrich Bröckling, Susanne Krasmann and Thomas Lemke, London Newyork, Routledge .

